کسب و کار

صداقت در کار همیشه جواب می‌دهد

هنگامی که برای اولین‌بار وارد دنیای مدیریت شدم و به عنوان یک مدیر میانی در یک شرکت معمولی و متوسط مشغول به کار شدم درس ارزشمندی آموختم که هنوز هم بعد از سال‌ها مدیریت کردن، همچنان در ذهنم باقی مانده و از یادم نرفته است و همان درس بود که مسیر مدیریتی ام را در آینده شکل داد و مرا به عنوان مدیری راستگو و مستقل و اخلاق گرا به دیگران معرفی کرد.

جریان از این قرار بود که کمی بعد از آغاز به کارم به عنوان مدیر یکی از بخش های شرکت، یک روز رئیس شرکت مرا احضار کرد و بعد از کمی مقدمه چینی و صحبت کردن در مورد مشکلات و گرفتاری های شرکت از من خواست تا به خاطر از دست ندادن یکی از مشتریان اصلی و به عبارت بهتر، بزرگ ترین و مهم‌ترین مشتری شرکت، چشمم را روی یکسری موارد مندرج در قرارداد منعقد شده بین ما و آنها ببندم و تخلفاتی که در جریان انجام یک معامله تان وارد بار با آن شرکت صورت می گرفت را نادیده بگیرم. من که کمی گیج شده بودم و نمی‌دانستم چه واکنشی به این موضوع نشان دهم در ابتدا این پیشنهاد یا به عبارت روشن‌تر «دستور» رئیس شرکت را پذیرفتم و قرار شد همان طوری عمل کنم که از من خواسته شده بود و در این اقدام غیرقانونی و پنهان‌کارانه مشارکت کنم هر چند که از ته دلم با این کار موافق نبودم و آن را اقدامی غیراخلاقی می‌دانستم.

به هر حال، آن روز کاری را با نگرانی و پریشانی پشت سر گذاشتم و با روحیه ای خسته و اعصابی ناراحت به خانه رفتم. همسرم که در خانه بود خیلی زود فهمید مشکلی برای من در محل کارم پیش آمده که تا این حد مرا پریشان کرده است. وقتی موضوع پیشنهاد رئیس شرکت برای همکاری با او برای چشم پوشی از بندهایی از قرارداد با مهم‌ترین مشتری شرکت را به او گفتم و تاکید کردم که اگر این پیشنهاد یا بهتر بگویم دستور رئیسم را اجرا نکنم پست مدیریتی خوبی که در شرکت به تازگی به من داده شده را از دست خواهم داد.

او از من خواست تا به جای ناراحتی و نگرانی راجع به موضوع پیش آمده در شرکت فیلمی را که او به من پیشنهاد داد تماشا کنم و من هم پیشنهاد او را پذیرفتم. فیلمی که آن شب به اتفاق همسرم دیدم فیلمی بود در مورد شرکتی پررونق و در حال پیشرفت که فقط به خاطر زیاده خواهی و فریبکاری مدیرش و همدستی چند نفر از کارمندان شرکت دچار رسوایی و بی آبرویی شد و خیلی زود دچار ورشکستگی شد. در آن فیلم به روشنی نشان داده شده بود که اگر کارمندان شرکت در برابر اقدامات نادرست مدیر شرکت سکوت نمی کردند و با او همدست نمی‌شدند شرکت به چنین وضعیت اسفباری دچار نمی‌شد و عامل اصلی ورشکستگی و نابودی شرکت بی صداقتی و فریبکاری مدیر و چند تن از کارکنان نشان داده شده بود.

بعد از پایان فیلم بود که احساس آرامش عجیبی به من دست داد و من آینده خودم و رئیسم و شرکتی که در آنجا کار می کردم را در قالب روایت آن فیلم می دیدم. بنابراین با خیالی راحت به رختخواب رفتم و صبح روز بعد با ذهنی آرام به سر کار رفتم و سعی کردم به شکلی معقول و منطقی به موضوع پیش آمده فکر کنم. بعد از چند ساعت فکر کردن به موقعیتی که در آن قرار داشتیم و با توجه به اهمیت زیادی که حفظ مشتری اصلی شرکت برای ما داشت تصمیم گرفتم مساله را با روش مبتکرانه‌ای حل کنم. بنابراین بدون اینکه رئیس شرکت را خبردار کنم ترتیب جلسه ای با مقامات ارشد شرکتی که مشتری اصلی ما محسوب می شد را دادم و در آن جلسه پس از بیان برخی واقعیت‌ها از آنها یک ماه مهلت گرفتم تا بستر مناسبی برای پیاده سازی درست و کامل مفاد قرارداد منعقده بین ما و آنها فراهم شود. الان که نگاه می کنم می‌بینم که عامل اصلی و موثری که باعث شد آنها این مهلت یک ماهه را به ما بدهند این بود که من با صداقت تمام با آنها صحبت کردم و آنها نیز در پاسخ به صداقت من پذیرفتند که یک ماه به شرکت ما فرصت اضافه بدهند.

در گام بعدی نزد رئیس خودم رفتم و خبر گرفتن مهلت یک ماهه را به او دادم و به او اطمینان دادم که طی یک ماه فرصتی که داریم و بدون نیاز به پنهان کاری و زیر پا گذاشتن مفاد قرارداد مان می‌توانیم با مشتری اصلی مان به تمام اهداف مان برسیم و هم آن مشتری را برای شرکت مان حفظ کنیم و هم از طریق انجام معامله‌ای تان و آب دار سود خوبی نصیب شرکت‌مان کنیم.

رئیسم هم وقتی صداقت مرا دید با پیشنهاد من موافقت کرد و جالب اینکه ما توانستیم با بسیج همه جانبه کارکنان شرکت، یک هفته زودتر از مهلت یک ماهه‌ای که از مشتری مان گرفته بودیم مواقع موجود را برطرف کنیم و بعد از سه هفته پروژه‌ای را که قرار بود برای مشتری اصلی مان انجام دهیم به پایان برسانیم.

این اقدام صادقانه من از چشم هیات مدیره شرکت و البته رئیسم دور نماند و آنها از این صداقت و وجدان کاری من به شکل‌های مختلف قدردانی کردند و من خیلی زود توانستم ارتقای مقام قابل توجهی در شرکت پیدا کنم و پاداش رفتار صادقانه و اخلاق گرایانه‌ام را به بهترین شکل ممکن گرفتم.

بعدها هم که به مقام مدیرعاملی دو شرکت دیگر که اتفاقا هر دو جزو مشتریان اصلی شرکتی که در آنجا کار می کردم بودند، رسیدم نیز سعی کردم همین رویه را ادامه دهم و صادق بودن و صداقت داشتن در تمام تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات را در بین تمام کارکنان و مدیران میانی شرکت هایی گسترش دهم که رهبری‌شان را بر عهده داشتم چرا که اعتقاد داشته و دارم که هر چند ممکن است رفتار صادقانه و نادیده نگرفتن اصول اخلاقی در کوتاه مدت ما را به سود زیاد و انجام معاملات بزرگ و سودآور نرساند و حتی موجب ضرر و زیان شرکت‌ها و سازمان‌ها شود اما در بلندمدت موجب خواهد شد تا یک نوع اعتماد حقیقی و عمیق بین آنها و مشتریان شان و عموم جامعه شکل بگیرد که بسیار ارزشمندتر از کسب منافع محدود و زودگذر است.

مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

گزارش روز

قصه «ایثار» در «چاهدگال»

گروه محلی شیکن – نامه‌نیوز– آدم زندگی‌مان را در همین اهالی چاهدگال دیدیم؛ زهرا، دختری ۱۲ ساله لابد می‌پرسید چاهدگال کجاست؟ دهستانی از توابع شهرستان فهرج. کمکی کرد؟ خوب، اگر کرمانی نباشید احتمالا دلیلی ندارد که آن را بشناسید. اصلا بگذارید طور دیگری آدرس بدهم؛ اگر مثلثی را در جنوب شرقی ایران تصور کنید که بم، زاهدان و ایرانشهر سه ضلع آن را تشکیل داده باشند، چاهدگال تقریبا در وسط آن واقع شده است. در مرز استان‌های بلوچستان و کرمان منطقه‌ای بلوچ‌نشین که چندین ماه سال را درگیر طوفان‌های شن است و مردم در کنار همه مشغله‌هایی که دارند باید بیابان را هم نگه دارند و پس برانند که پیشروی نکند. با هر طوفانی، لشگر شن‌ها می‌آیند و جاده و نخلستان و خانه و موتور آب و هر چه سر راهشان باشد را نصرف می کنند. مگر نه اینست که تاکنون چند روستا را کلا خالی از سکنه و متروکه کرده‌اند؟

و اما قصه زهرا، دختر کی بلوچی که مثل هزاران دختر دیگر در این منطقه و در گوشه گوشه ایران و حتی جهان، از تحصیل، بازمانده بود. اینکه علتش چیست مفصل است و در ادامه به آن می‌پردازیم ولی مسئله اینجاست که او در ابتدای ایثار» روستای یوسف‌آباد چاهدگال را هم از آن رو برگزیدیم که هم بزرگ بود و هم کزیتی برای روستاهای اطراف داشت و هم ظاهرش بیشتر شبیه تصویری بود که از مدرسه داشتیم. گلوایل «نیازسنجی آموزشی» بود مطالعه‌ای که تیم‌بلاگران محلی آموزش دیده «شیکن» با استفاده از تکنیک‌های ارزیابی مشارکتی، آن را انجام دادند. پای صحبت معلم و مدیر و والدین و کودکان، نشستند و با هم از مدرسه بازدید کردند، با نیروهای دغدغه‌مند و متخصص بومی گپ زدند و حاصل آن، گزارشی مکتوب از مسائل آموزشی به شکل دسته‌بندی و اولویت‌بندی شده بود. در این گزارش، مواردزیر مطرح شد: توجه به زیباسازی مدرسه، ایجاد فضای سبز و سایه در حیاط، حل مسئله نداشتن سرایدار و رسیدگی به حل مشکل آب، آنهاد حل مشکل برق و به تبع آن سرمایش و گرمایش فضا، حل مشکل کمبود کلاس با توجه به تغییر نظام آموزشی پس از ساخت مدرسه، رفع کمبود تجهیزات آموزشی و آزمایشگاهی، به روزرسانی و هوشمندسازی تجهیزات از جمله جایگزینی تخته‌های سیاه قدیمی، ایجاد فضایی به عنوان انبار جهت جلوگیری از انباشت وسایل در فضا، تامین سرویس ایاب و ذهاب برای دانش‌آموزانی که از دیگر روستاها به مدرسه می‌آیند، حل مسئله مخلط بودن مدرسه خصوصا برای دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم.

گام دوم، اضافه شدن خبرنگار به گروه بودند. آنها با دیدن اینکه برای مدرسه ایثار، طرح مطالعاتی مشارکتی تدوین شده است و با مطالعه طرح، مشتاق شدند که حامی مالی مدرسه باشند. تهیه و ارسال وسایل بازی چون میز پینگ‌پونگ، فوتبال دستی، دارت و... وسایل کمک‌آموزشی (میکروسکوپ، کیت‌های آموزشی و...)، رنگ و ابزار نقاشی جهت شادسازی فضا کمک‌های ارسالی آنها بود که تغییر محسوسی در شرایط مدرسه ایثار ایجاد و یک حساس‌سازی اولیه کرد.

گام سوم، تشکیل انجمن اولیا و مربیان بود که فضای گفتگو، همفکری و همکاری را تقویت کرد. تشکیل انجمن به دلیل نداشتن تجربه قبلی و نیز حجم مشکلات و تعارضات، کار دشواری بود. ولی با انجام شدن آن، کارها سرعت بهتری گرفت. انجمن با تامین اعتبار و نیروی انسانی از سوی خود، دانش‌آموزان در آن، ضعفی اساسی دارند در ادامه، چند نهال خرما در باغچه‌های دورتادور حیاط کاشته شدند به امید ایجاد سایه در آینده و با هدف حساس‌سازی دانش‌آموزان نسبت به نگهداری محیط مدرسه و فضای سبز آن.

جارو و نظافت کلاس‌ها و تمیزسازی حیاط، آخرین گامی بود که در پایان برنامه توسط گروه شیکن برداشته شد. کثیف کاری‌های حاصله نیز به پیشنهاد گرافیست حاضر در تیم، توسط بزرگترها به شکل دیگری، رنگ‌آمیزی شده و تبدیل به فرمهای جذابی گشتند از جمله چند صندلی چوبی که نقش زیربایی بچه‌های کوچکتر را داشت. در این جشنواره کودکان، روز شادی را تجربه کردند، رنگ تعلق به فضای مدرسه زده و آن را از آن خود کردند، به آرزوهایشان تجسم بخشیدند و به محیط، این فرصت را دادند که نقش یادآوری خود را بهتر ایفا کند. علاوه بر اینها، تعدادی از مادران به مدرسه آمده و از نزدیک شرایطش را مشاهده کردند و به این وسیله، ضرورت به میان آمدن آنها و تشکیل شاخه مادران انجمن اولیا و مربیان نیز مطرح شد.

اقدام به تعمیر، راندازی و نظافت سرویس‌های بهداشتی مدرسه کرد. مشکل آب سرویس‌ها نیز توسط آنها حل شد. همچنین جلسات با پرسنل مدرسه درباره مشکلات درسی دانش‌آموزان و علل و راهکارهای آنها برگزار کردند.

گام چهارم، دعوتی عمومی‌تر برای کمک به ارتقاء فضای مدرسه بود که در هماهنگی با اداره کل آموزش و پرورش شهرستان فهرج صورت گرفت. جشنواره «رنگ‌آمیزی یکی از نیروهای توانمند خود در زمینه هنر، و در اختیار قرار دادن مدرسه، زمینه را برای برگزاری این رویداد فراهم کرد. مدیر مدرسه از شب قبل دعوتنامه برای والدین ارسال کرد و برنامه را توضیح داد. انجمن اولیا و مربیان نیز به سهم خود اطلاع‌رسانی کرد. گروه تیم‌بلاگری شیکن نیز در هماهنگی با خیرین، تجهیزات مورد نیاز را فراهم کرد و با کمک گروه‌های زنان فعال در روستاها، پذیرایی برنامه را با خوراکی‌های محلی عهده‌دار شدند. در روز جشنواره، حدود ۱۰۰ دانش‌آموز و پایه در مدرسه حاضر شدند و در قالب گروه‌هایی به رنگ‌آمیزی و نقاشی بخش‌های مختلف پرداختند. ابتدا، بخش‌هایی که بیشتر نیازمند توجه بودند (مانند درب ورودی زنگ‌زده، تاکنر خراب گوشه حیاط و...) شناسایی شده و بچه‌ها جهت زیباسازی آنها بسیج شدند در گام بعد، دیوارهای حیاط بین آنها توزیع شد. تلاش بر آن بود که هیچ مداخله‌ای صورت نگیرد و از بچه‌ها خواسته شد آرزوهایشان را بکشند تا هر بار که در حیاط، آنها را می‌بینند بارشان یادآوری شود و تلاش بیشتری انجام دهند.

به درخواست والدین و توسط نماینده آنها، یکی از دیوارها هم به جدول ضرب اختصاص یافت که گفته می‌شد گام پنجم، حل مشکل سیم‌کشی برق مدرسه است که سرمایش و گرمایش و تامین دمای آسایش در این اقلیم کویری سخت، کاملا در گرو آنست. رسیدن به راهکاری بی‌هزینه جهت تفکیک جنسیتی مدرسه برای مقاطع بالاتر، و نیز طراحی مسیری جهت سرویس ایاب و ذهاب دانش‌آموزان از دیگر برنامه‌های گروه شیکن است که در همکاری با انجمن اولیا و مربیان، آموزش و پرورش و خیرین، آن‌ها را دنبال خواهد کرد.

مدرسه ایثار یوسف‌آباد تا تبدیل شدن به فضایی شاد و جذاب، هنوز فاصله دارد و در صورت رسیدن به این هدف نیز، آن تنها یکی از هزاران مدرسه مناطق محروم ایران است که نیاز به احیا و توانمند شدن دارند. تامین هزینه و مایحتاج و نیز رفع مشکلات سخت‌افزاری مدارس آن‌قدرها هم که به نظر می‌رسد کار دشواری نیست اما متاسفانه نمی‌تواند زهرا و دیگر دخترک‌های ۱۲ ساله بازمانده از تحصیل ما را در مدرسه نگه داشته یا به آن بازگرداند، زیرا دلیلی که آنها از تحصیل بازمی‌مانند، اغلب نرم‌افزاری است. مختلط بودن مدارس، آن هم در منطقه‌ای که به لحاظ فرهنگی، سن بلوغ و ورود به چرخه بزرگسالی به مراتب پایین‌تر است از مهمترین دلایل آن محسوب می‌شود. کل دهستان چاهدگال با بیش از ۲۰ روستا فاقد حتی یک دبستان ابتدایی دخترانه است.

در فقدان هر نظام حمل و نقلی مطمئن و ارزانی، دختران برای رسیدن به همین مدارس موجود نیز باید با پای پیاده، مسافت‌هایی طولانی را در جاده‌ملی کنند. در زیر تیغ آفتاب ۴۰ درجه یا در میانه طوفان‌های شن. فقدان معلم زن در مدارس دهستان، و نیز عمومیت به کارگیری مردان جوان غیربومی در غالب روزاز- معلم نیز باعث شده که مدارس، فضایی مردانه داشته باشند و همین مسئله در کنار مسائل بالا، مزید بر علت می‌شود برای بازماندگی از تحصیل دختران چاهدگال، و نیز عاملی می‌شوند جهت بریده شدن پای مادران از مدرسه و کمک به آنها.

هدف شیکن، الگوسازی است و در این راه، خوشبختانه توانسته از ظرفیت همراهی جامعه محلی و بدنه اداری شهرستان، نهایت استفاده را ببرد اما در این بین، عزمی ملی و توجه سیاستگذاران نیز ضرورت دارد. علی‌رغم همه تلاشی که مسئولین آموزش و پرورش شهرستان می‌کنند و همدلی و همراهی‌ای که با گروه‌ها و فعالیت‌های مشارکتی‌ای از این دست دارند اما به نظر می‌رسد خود همین نهاد در کلیت برنامه‌های توسعه‌ای کشور نیازمند توجهی بیشتر و جدی‌تر باشد.

دختران چاهدگال، این مادران فردا، بیش از زمین‌های تشنه باران این دشت، تشنه مدرسه و آموزش هستند.

دیدگاه

معماری با ساختمان‌سازی صرف متفاوت است

هانی رشید

{جالب‌ترین چیزی که از معمار بودنم آموختم} این است که هر معماری معماری نیست. در واقع آنچه بیش از هر چیز دیگر یاد گرفتم این است که «معماری» با ساختمان‌سازی صرف کاملا متفاوت است و متأسفانه این دومی به شکلی جهانی بر محیط‌های ساخته‌شده ما حکومت می‌کند.

معماری خود از خیزش گسترده کارفرمایان روشن‌فکر و آگاه، کار طراحانه خطرپذیر، و در نظر داشتن غنای فرهنگی و کار در زمینه تاریخ و اتخاذ تصمیم‌های رادیکال پدید می‌آید.

(در گفت‌وگوی منتشر شده در مجله **Design Scene**، شماره ۲۵، سال ۲۰۱۸)

منبع: سایت گفتار

اخبار

محافظت «نخل‌های زینتی» از سرمازدگی

سرپرست منطقه یک شهرداری کرج از اتخاذ تمهیدات ویژه برای حفاظت فضای سبز به‌ویژه نخل‌های زینتی در فصل سرما خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، محمد گروسی در خصوص حفظ و نگهداری فضای سبز در فصل سرما، گفت: با توجه به برودت هوا و احتمال بارش‌ها، برخی از گونه‌های گیاهی زینتی آسیب‌پذیر در برابر هوای سرد نیازمند محافظت توسط پوشش خارجی هستند.

وی اضافه کرد: درختان نخل زینتی توسط نایلون‌های ضخیم پوشیده و مورد حفاظت قرار گرفته‌اند.

سرپرست منطقه یک شهرداری کرج توجه به نگهداری گیاهان و درختان در هوای سرد را از وظایف مهم فضای سبز اعلام کرد و گفت: اقدامات مرتبط با این امر زیر نظر کارشناسان مربوطه در حال انجام است.

برگزاری ورکشاپ تخصصی روابط عمومی ضروری است

مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری کرج بر برگزاری ورکشاپ‌های تخصصی روابط عمومی تأکید کرد.

به گزارش پیام آشنا، حامد احسانی نژاد در جلسه با مدیران روابط عمومی سازمان و مناطق شهرداری کرج که در باشگاه فرهنگی میلاد برگزار شد، بیان کرد: برای برنامه‌ریزی جهت برپایی جشن‌های پیش روی روابط عمومی‌ها، گفت: تلاش خود را برای رفع این دغدغه‌ها خواهیم کرد.

وی با اشاره به مشکلات اعتباری و تخصیص بودجه برای اجرای برنامه‌ها، گفت: افزایش اعتبار از جمله مواردی است که از سوی بسیاری از روابط عمومی‌ها مطرح شده است برای تحقق این مهم نیز تلاش می‌کنیم.

مدیرکل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری کرج در بخش دیگری اضافه کرد: جایگاه روابط عمومی باید نزد مدیران پررنگ‌تر شود و این مهم با تلاش فعالان در حوزه روابط عمومی سازمان‌ها و مناطق محقق خواهد شد.

احسانی نژاد به اهمیت آموزش در این حوزه اشاره کرد و گفت: اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری کرج در این خصوص برنامه‌ریزی کرده و ورکشاپ های آموزشی را برگزار خواهد کرد.

گفتنی است: مدیران روابط عمومی سازمان و مناطق و معاونت‌های مختلف در شهرداری کرج در این جلسه چالش‌های پیش رو را مطرح و برافزایش اعتبار برای اطلاع‌رسانی هرچه بیشتر عملکرد به شهروندان کردند.

متروی پرند معطل ۷۵۰ میلیارد تومان

مجری پروژه خط مترو فرودگاه امام – شهر جدید پرند در خصوص سرانجام امتداد خط مترو به پرند توضیحاتی را ارائه کرد و گفت: بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان برای راه اندازی کامل متروی پرند با دو خط عبوری اعتبار نیاز داریم، با این حال راه اندازی اولیه با ۷۵۰ میلیارد تومان امکان پذیر خواهد بود و امیدواریم سازمان برنامه و بودجه به متروی تهران – پرند نگاه ویژه‌ای داشته باشد.

به گزارش پیام آشنا، علیرضا کردرستمی در مورد سرانجام خط متروی پرند گفت: خط متروی تهران – پرند از جنوب خط یک از ایستگاه شاهد منشعب شده و به طول ۵۰ کیلومتر و ۵ ایستگاه به پرند می رسد. وی با بیان این که ایستگاه شهر آفتاب ، ولوان ، فرودگاه شماره یک ، فرودگاه شماره ۲ و پرند ۵ ایستگاهی هستند که برای این خط ۵۰ کیلومتری در نظر گرفته شده بود، ادامه داد: اما از این ۵ ایستگاه تنها ۲ ایستگاه یعنی شهر آفتاب و فرودگاه شماره ۱ ساخته شده است.

مجری پروژه خط متروی پرند با اشاره به اینکه ایستگاه متروی ولوان اصلا ساخته نشده، گفت: ایستگاه فرودگاه شماره ۲ نیز فعلا نیازی به احداث ندارد چرا که در طرح توسعه شهر فرودگاهی این ایستگاه کاربرد دارد و تا زمانی که فرودگاه توسعه نیابد احداث این ایستگاه نیز بی معنا است و در آخر ایستگاه پرند است که ۸۰۰۰ متر وسعت دارد و در مرحله نازک کاری است.

وی با بیان این که ۴ کیلومتر اول این خط یعنی حد فاصل ایستگاه شاهد تا شهر آفتاب در سال ۹۵ احداث شد و ۲۶ کیلومتر مابقی آن یعنی از شهر آفتاب تا فرودگاه امام خمینی(ره) نیز به بهره برداری رسیده است، گفت: تنها ۱۹ کیلومتر از ایستگاه فرودگاه شماره یک تا پرند باقی مانده که عملیات ساختمانی بیش از ۹۰ درصد و عملیات زیر سازی نیز حدود ۹۹ درصد پیشرفت داشته است و ریل گذاری یک خط تنها دو کیلومتر باقی مانده است.

کرد رستمی با بیان این که بر اساس برنامه ریزی های انجام شده فعلا سرویس دهی در یک خط مترو انجام می شود، افزود: بر اساس برنامه ریزی های انجام شده در فاز اول در فاصله حرکت قطارها به شرط تامین ناوگان ۲۰ دقیقه تعیین شده اما در افق طرح در فاصله حرکت قطارها ۶ دقیقه است.

وی در مورد هزینه های تکمیل خط متروی تهران – پرند با بیان این که برای راه اندازی یک خط مترو و تکمیل زیر ساختهایی همچون پیچ ، گیت ها ، سیگنالینگ و ریل سوم حدود ۷۵۰ میلیارد تومان اعتبار پیش بینی شده است، اظهار کرد: امسال دولت در قالب بودجه عمرانی تنها ۲۴۰ میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته که تخصیص ۲۱۲ میلیارد تومان بااسناد خزانه اسلامی با سررسید سال ۱۴۰۳ در نظر گرفته شده است یعنی سه سال دیگر.

مجری پروژه خط متروی پرند با بیان این که هزینه های ما نسبت به پارسال حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است، گفت: هر چقدر تامین اعتبار برای راه اندازی متروی پرند عقب بیفتد عدد مورد نیاز ما درشت تر می شود.

کرد رستمی در مورد وعده زمینی که شرکت عمران پرند به مترو داده بود، نیز گفت: با محوریت استانداری نیز جلسه ای بین ذی نفعان پروژه برگزار شد که تصمیم گرفته شد شرکت مادر تخصصی شهرهای جدید یک زمین ۲۵ هکتاری را که در کنار ایستگاه مترو پرند قرار دارد با تغییر کاربری در اختیار شهرداری قرار دهد تا در عوض شهرداری با مناقصه خود کار را تمام کند. اما این زمین هنوز تحویل داده نشده است و قرار بود بحث تعدیل کاربری از طریق وزارت راه و شهرسازی پیگیری شود، اما هنوز این زمین تحویل شهرداری نشده است.

وی در پاسخ به این سوال که چرا با وجود پیشرفت ۹۰ درصدی یک خط متر و این خط افتتاح نشده است؟ گفت: مدل متروی پرند همچون تهران است که به صورت برق زمینی از طریق ریل سوم تغذیه می شود چرا که برنامه این بوده قطار پرند مستقیما وارد خط یک شده و تا تجربش حرکت کند. پس شبکه برق متروی پرند از طریق ریل سوم تغذیه می شود که حدود ۱۱۵ میلیارد تومان هزینه برای تامین ریل سوم که ۱۰ کیلومتر آن باقی مانده، نیاز داریم و نمی توقیم یک خط متر را بدون دیوار و تعیین حریم ریلی افتتاح کنیم و برای ۹۰ هزار متر مربع دیوار بتنی در دو طرف خط حدود ۶۰ میلیارد تومان هزینه لازم است و برای کابل کشی نیز ۹۰ میلیارد تومان اعتبار لازم است و با این که آیتم های زیادی باقی نمانده اما از نظر مالی پر هزینه هستند.

مجری پروژه خط متروی پرند با بیان اینکه متاسفانه بزرگترین مشکل ما کندی تامین نقدینگی است، به طوری که بعد از سال ۹۶ امیدی به تکمیل این خط نداریم، گفت: نسبت به سال گذشته هزینه های ما ۴۰ درصد افزایش یافته و این در حالی است که دولت تنها ۱۰۰ میلیارد تومان به ما بودجه داده است و با این پولها چندین سال طول می کشد که ۱۹ کیلومتر متروی پرند تکمیل شود مگر این که بحث تغییر کاربری آن زمین ۲۵ هکتاری درست شود.

وی با بیان اینکه که ۱۹ کیلومتر متروی پرند معطل ۷۵۰ میلیارد تومان است، گفت: ارزش کل پروژه متروی تهران –پرند ۳ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان است اما برای تخصیص ۶۵۰ میلیارد تومان معطل مانده ایم این در حالی است که طبق امکان سنجی طرح متروی پرند که در دهه ۸۰ توسط وزارت مسکن انجام شده روزی ۴۰ هزار تردد از شهر پرند به تهران می شود که اگر این خودروها حداقل روزی ۸ لیتر بنزین مصرف کنند حدود ۳۵ میلیون لیتر بنزین تنها در مسیر خودروهای پرند به تهران صرف می شود و این در حالی است که ظرفیت ۷۰۰ هزار نفری پرند هنوز تکمیل نشده و اگر دولت به توسعه مترو کمک کند در مصرف این ۳۵ میلیون لیتر بنزین در سال کمک می کند.

کرد رستمی با بیان این که بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان برای راه اندازی کامل متروی پرند با دو خط عبوری اعتبار نیاز داریم، گفت: با این حال راه اندازی اولیه با ۷۵۰ میلیارد تومان امکان پذیر خواهد بود و امیدواریم سازمان برنامه و بودجه به متروی تهران – پرند نگاه ویژه‌ای داشته باشد؛ چرا که شعار این دولت عدالت محوری است و مترو نیز نماد وسیله عدالتی است که همه می توانند از آن استفاده کنند و امیدوارم سازمان برنامه و بودجه اعتبار مناسب را تخصیص دهد و وزارت شهرسازی نیز زمین ۲۵ هکتاری که قولش را داده بود عملیاتی کند.

مجری پروژه خط متروی پرند با بیان این که از طریق مجلس نیز پیگیر هستیم تا در بودجه ۱۴۰۱ دولت اعتبار خوبی به متروی پرند بدهد، گفت: ۳۰ کیلومتر اولیه این خط مترو در زمان قالیباف افتتاح شده و قطعا نگاه رئیس مجلس به مترو مثبت خواهد بود.